صاعقه پلیس بر سر ۱۵۴ سارق و زورگیر

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری ۱۵۴ سارق و مظنون به سرقت در اجرای دومین مرحله از طرح صاعقه خبر داد.

به گزارش جام جم، سردار علیرضا لطفی با بیان این‌که در اجرای این طرح ۸۱ دستگاه موتورسیکلت سرقتی و ۴۵ دستگاه گوشی تلفن‌همراه سرقتی به همراه قمه، چاقو، اسپری و... کشف و ضبط شد، گفت: دستگیرشدگان تاکنون به ۵۶۰ فقره کیف‌قاپی و گوشی قاپی اعتراف کرده‌اند.

وی با بیان این‌که اجرای این طرح سبب کاهش آمار سرقت به‌ویژه کیف‌قاپی و تلفن‌همراه‌قاپی شده است، خاطرنشان کرد: این طرح همچنین تأثیر پیشگیرانه داشته و منجر به کاهش وقوع جرایم نیز شده است.

وی درباره بازگشت اموال سرقتی به مالباختگان نیز گفت: در این زمینه با هماهنگی مقام قضایی، مالکان این اموال شناسایی شده و اموال به‌زودی به صاحبانشان بازگردانده خواهد شد.





خروج مرگبار قطار زاهدان از ریل

خروج قطار زاهدان - تهران از ریل، ۴ کشته و ۹۲ مجروح برجای گذاشت.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۶ دیروز قطار زاهدان - تهران در منطقه «شورو» از ریل خارج و یک واگن واژگون شد. پس از گزارش این حادثه، امدادگران اورژانس خود را به محل حادثه رسانده و امدادرسانی به مصدومان را آغاز کردند. رئیس اورژانس کشور در این باره گفت: پس از اعلام حادثه بلافاصله ۳ دستگاه اتوبوس آمبولانس و ۱۰ دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام شد. در بررسی‌های اولیه مشخص شد، بر اثر این حادثه ۹۲ نفر مصدوم و یک زن و سه مرد کشته شده‌اند.

روابط عمومی شرکت راه آهن هم شامگاه دیروز اعلام کرد: حدود ساعت چهار بعد از ظهر چند واگن قطار مسافربری در محور تهران - زاهدان متعلق به شرکت رجا که ساعت ۱۴ و ۵۰ دقیقه از ایستگاه زاهدان حرکت کرده بود در ورودی ایستگاه شورو دچار سانحه شد که چند واگن از خط خارج شد.

معاون هلال احمر سیستان و بلوچستان در گفت‌وگو با ایلنا گفت: با توجه به تاریک شدن هوا در حال جست‌وجوی واگن به واگن هستیم تا چنانچه مصدوم یا کشته‌ای زیر واگن‌ها محبوس شده باشند، آنها را بیرون بیاوریم.

حسن مصفا افزود: بر اساس اعلام مسؤولان قطار یکی از مهمانداران مفقود شده است و ما نمی‌دانیم که با مصدومان حادثه اعزام شده است یا خیر از همین رو در حال جست‌وجوی محل حادثه برای یافتن این فرد هستیم.

گفت‌وگو با عامل قتل در پارک تنیس کرج

خون را با خون پاک نمی‌کنند

پشت صحنه یک جنایت

گروه حوادث

فکر نمی‌کرد همراه داشتن چاقو، سرنوشتش را تغییر دهد و مهر قاتل بودن بر پیشانی‌اش حک شود. به خاطر یک لحظه عصبانیت، پسر ۲۰ ساله‌ای را به قتل رساند و خانواده‌ای را داغدار کرد. در پشت صحنه یک جنایت این هفته به بررسی پرونده قتل در پارک تنیس پرداختیم. پس از مرور پرونده پای صحبت‌های پسر جوان نشستیم و رئیس پلیس آگاهی استان البرز ریشه‌های این جنایت را تشریح کرد.

سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز در تشریح این پرونده گفت: ماجرای این درگیری به روز ۱۶ شهریور امسال برمی‌گردد. صدای درگیری چند پسر جوان در پارک تنیس کرج پیچید. با مشت و لگد به جان هم افتاده بودند. ناگهان برق تیغه چاقوی پسر جوان دیده شد و بعد از آن خون از شکم پسر دیگری جاری شد و روی زمین افتاد. وقتی این جنایت به پلیس گزارش شد، تیمی از ماموران پلیس آگاهی همراه بازپرس جنایی در محل قتل حاضر شدند. مقتول پسر ۲۰ ساله‌ای بود که با ضربه چاقو به شکمش و خونریزی شدید جان باخته بود.

وی افزود: هویت قاتل خیلی زود شناسایی شد. پسری ۲۲ ساله به نام کامران که در محله کمالشهر همراه مادربزرگش زندگی می‌کرد. او بعد از قتل فرار کرده بود و کارآگاهان خانه مادربزرگش را زیر نظر گرفتند. صبح روز بعد به خانه بازگشت که خیلی زود غافلگیر و دستگیر شد. کامران در بازجویی‌های اولیه مدعی شد دعوا بر سر یک دختر باعث این جنایت شد و او می‌خواسته خود را تسلیم کند.



خشم، چاقو و قتل

مریم جنت‌آبادی
حقوقدان

در این پرونده عوامل مختلفی مانند طلاق والدین، خشم آنی و حمل سلاح سرد باعث ارتکاب قتل شد. قتلی که در جریان آن پسر جوانی جانش را از دست داد و جوان دیگری به اتهام قتل روانه بازداشتگاه شد. نزاع و درگیری از خشونت سرچشمه می‌گیرد و ناتوانایی فرد در کنترل خشم باعث ارتکاب جرایمی مثل قتل، ضرب و جرح و قطع عضو می‌شود. این خشونت هم اغلب ریشه در ناکامی دارد. افرادی که مرتکب خشونت می‌شوند، اغلب در پی ناکامی در رسیدن به اهداف و آرزوهای خود رفتاری ضد اجتماعی بروز می‌دهند. حال اگر نظارت کافی از سوی والدین و جامعه بر این افراد وجود نداشته باشد، شاهد اتفاقات تلخی مانند این پرونده هستیم. متهم فرزند طلاق است و همراه مادربزرگش زندگی می‌کرد. پدر و مادرش او را رها کرده و نظارتی بر رفت و آمد و دوستان پسرشان نداشتند. این عدم نظارت باعث شد او به درستی راهکارهای کنترل خشم را آموزش نبیند و مرتکب رفتارهای ضد اجتماعی شود. بررسی سوابق این متهم نشان می‌دهد او فردی خشن است که به راحتی از چاقو استفاده می‌کند به طوری که قبل از ارتکاب قتل، دو بار به خاطر ضرب و جرح روانه زندان شده و یک بار مجبور به پرداخت دیه ۲۳ میلیونی شده بود.

متاسفانه برخی جوانان تصور می‌کنند همراه داشتن سلاح سرد برای آنها قدرت می‌آورد و اعتماد به نفس کاذبی به دست می‌آورند. حال اگر این فرد قدرت کنترل خشم را نداشته باشد در هر دعوایی دست به چاقو می‌شود و قتل‌هایی ناخواسته را رقم می‌زند. خانواده‌ها باید نظارت بیشتری بر رفت و آمد و گروه همسالان فرزند خود داشته و به هیچ عنوان اجازه حمل سلاح را به آنها ندهند. بررسی این پرونده‌ها نشان می‌دهد اگر قاتل همراه خود چاقو نداشته هیچ وقت جنایتی رخ نمی‌داد و بعد از قتل، مرتکبان مدعی می‌شوند که قتل‌ها ناخواسته رخ داده و هیچ انگیزه‌ای برای قتل نداشته‌اند.

باید از این شهر بروم

هیچ ترسی در زندگی‌اش ندارد و هنوز باور این‌که مرتکب قتل پسر جوانی شده برایش سخت است. قربانی طلاق است و می‌گوید: «اگر پدر و مادری بالای سرم بود، الان اینجا به اتهام قتل بازداشت نبودم.» به بخشش امید دارد و سعی می‌کند به چوبه دار فکر نکند تا تحمل این روزها برایش راحت‌تر باشد. در ادامه، گفت‌وگوی جام جم با کامران را می‌خوانید.

چند سال داری؟

۲۲ سال

درس خوانده‌ای؟

بله تا دوم راهنمایی.

چرا ادامه ندادی؟

شرایطش را نداشتم.

چه شرایطی؟

پدر و مادرم طلاق گرفته بودند و من پیش مادربزرگم زندگی می‌کردم. باید کار می‌کردم و روی پای خودم می‌ایستادم. هیچ کسی نبود از من حمایت کند.

شغلت چه بود؟

آشپز فست‌فود بودم.

سابقه داری؟

بله.

به چه جرمی؟

درگیری و مصدوم کردن با چاقو.

چرا دعوا کردی؟

مادربزرگم جگرکی داشت. سه پسر مست جگر خورده بودند و ۵۰ هزار تومان آن را ندادند. من رسیدم و یکی از آنها را با چاقو زدم و ۲۳ میلیون تومان به خاطر آن ۵۰ هزار تومان دادم.

پس دست به چاقویی؟

بعد از آخرین بار که به زندان رفتم برای همیشه چاقو را کنار گذاشتم، اما آن روز دوباره برداشتم و بدبخت شدم.

چرا آن روز چاقو همراه داشتی؟

با نامزدم در پارک قرار داشتم و ترسیدم کسی مزاحم ما شود. برای همین چاقو همراهم بردم. جایی که من بزرگ شدم، طوری تربیتم کرد که همیشه چاقو داشته باشم.

حالا به چه اتهامی دستگیر شدی؟

قتل در پارک تنیس.

توضیح بده.

یک روز داخل پارک فاتح نشسته بودم. دو دختر که مرا می‌شناختند از جلویم رد شدند و سلام کردند. چند قدم جلوتر چند پسر جوان که آنها را پیش از این در پارک دیده بودم، سراغ دخترها رفتند و من دیگر کاری به آنها نداشتم تا این‌که یکی از دوستانم که با یکی از دو دختر جوان دوست بود، سراغم آمد و گفت چرا دوستانت به‌دنبال دوست من راه افتادند که آنجا گفتم دوستان من نبودند و فلانی و دوستانش بودند که بعد از آن شنیدم پسر جوان سراغ آنها که برای دختران ایجاد مزاحمت کرده بود، رفته و درگیر شده و دو سیلی به‌صورت یکی از آنها زده بود. مقتول و دوستانش از من به خاطر آدم فروشی کینه داشتند و روز حادثه سر همین موضوع درگیر شدیم و من یک ضربه چاقو به یکی از آنها زدم که باعث مرگش شد.

آنها هم چاقو داشتند؟

وقتی درگیری شروع شد، نداشتند اما موقعی که می‌خواستم فرار کنم، دوستان مقتول دست به چاقو شدند.

بعد از قتل کجا رفتی؟

آژانس گرفتم و به خانه رفتم.

چه زمانی متوجه قتل شدی؟

دو ساعت بعد از قتل با تماس دوستان مقتول متوجه قتل او شدم. آن‌طور که شنیدم، ۴۰ دقیقه او را دیر به بیمارستان بردند که باعث شد بر اثر خونریزی فوت کند.

چرا خودت را معرفی نکردی؟

می‌خواستم این کار را انجام دهم. حتی لباس هم خریده بودم.

چرا لباس؟

کسی را ندارم که در زندان برایم لباس بیاورد. به همین دلیل خودم یک دست لباس خریدم که همراهم باشد.

اما بازهم خودت را معرفی نکردی؟

بعد از این‌که متوجه قتل شدم به جاده چالوس رفتم. صبح ساعت ۷ به خانه برگشتم. خوابم می‌آمد. با خودم گفتم کمی می‌خوابم بعد تسلیم می‌شوم که ساعت ۱۱ دستگیر شدم.

چرا فرار نکردی؟

من همان شب می‌توانستم به سمت مرز فرار کنم و غیرقانونی از کشور خارج شوم. اما بالاخره یک روز گیر می‌افتادم و همین‌جا می‌آمدم که امروز هستم.

عذاب وجدان داشتی؟

بله. او همسن و سال من بود. به خاطر چند جوان و درگیری آنها مرد.

از دستگیر شدن نمی‌ترسیدی؟

نه. اصلا.

چرا؟

تا کی فرار می‌کردم کسی را هم نداشتم که نگرانم شود.

با خانواده مقتول روبه‌رو شدی؟

از دور دیدمشان، اما حرفی نزدم.

فکر می‌کردی، عاقبت یک روز این‌طور شود؟

هیچ‌وقت.

در کودکی و نوجوانی هم حالت‌های هیجانی داشتی؟

خیلی. دوست داشتم سرتر از همه باشم و عشق تتو بودم.

تنهایی‌ات را چگونه پر می‌کنی؟

با گوشی و موتور.

سراغ مواد رفتی؟

نه. هیچ‌وقت.

به نظرت آزاد می‌شوی؟

اگر خدا بخواهد. من او را به عمد نکشتم. خون را با خون نمی‌شویند.

در این چند روزی که بازداشت بودی به چوبه دار فکر کردی؟

بله.

نترسیدی؟

نه برایم عادی است. اگر بخواهم خودم را درگیر آن کنم، باید قرص و مواد بکشم تا تحمل کنم.

از مرگ می‌ترسی؟

نه.

احساس تنهایی داری؟

من همیشه تنها هستم و با تنهایی بزرگ شده‌ام. برایم چیز عادی‌ای شده است.

در این ۲۲ سال حسرت چیزی به دلت مانده؟

هیچ حسرتی نداشتم. چون خدا را شکر از بچگی کار کردم و هرچه خواستم به‌دست آورده‌ام.

حرفی با خانواده مقتول داری؟

تقاضای بخشش دارم. من کسی را نداشتم و به اینجا کشیده شدم. اگر پدر و مادری بالای سرم بود و شب‌ها زود به خانه می‌رفتم و درس می‌خواندم به اینجا نمی‌رسیدم.

اگر بخشیده شوی، چه کار می‌کنی؟

از این شهر می‌روم. اگر کرج بمانم دوباره به این سمت کشیده می‌شوم. محیط زندگی مرا به اینجا کشید. بروید از صاحب کارم بپرسید به شما می‌گوید که من یک ماه کار می‌کردم و بعد از گرفتن حقوق، سر کار نمی‌رفتم تا پول‌هایم تمام شود.

> من کسی را نداشتم و به اینجا کشیده شدم. اگر پدر و مادری بالای سرم بود و شب‌ها زود به خانه می‌رفتم و درس می‌خواندم به اینجا نمی‌رسیدم

قاتل خواهر شهید لاجوردی بخشیده شد

بخشش عروس پای چوبه دار

به‌دنبال مفقود شدن خواهر شهید لاجوردی تلاش برای جست‌وجوی زن میانسال آغاز شد و چند روز بعد جسد وی در نزدیکی دماوند کشف شد. تحقیقات برای یافتن ردی از عامل جنایت در حالی ادامه داشت که رد خون در خانه مقتول حکایت از وقوع جنایت در همان خانه داشت. در نهایت عروس خانواده به عنوان مظنون پرونده دستگیر شده و به قتل مادرشوهرش اعتراف کرد. متهم در دادگاه به قصاص محکوم شد و این رای بعد از تایید از سوی دیوان عالی کشور، اول مهر ماه سال جاری در مرحله اجرا قرار گرفت، اما درست در لحظه اجرای حکم، اولیای دم یعنی پسران مقتول، بی‌قید و شرط از قصاص قاتل پای چوبه دار گذشت کردند.

به گزارش خبرنگار جام جم، بهمن سال ۹۲ بود که خبر مفقود شدن خواهر شهید لاجوردی به اطلاع ماموران پلیس رسید. هنوز مدت زمان زیادی از اعلام مفقودی نگذشته بود که جسد بی جان زن میانسال در نزدیکی دماوند پیدا شد و شواهد حاکی از قتل این زن داشت. به این ترتیب تحقیقات برای یافتن سرنخی از عامل جنایت آغاز شد و در بررسی منزل مقتول، رد خون در طبقه دوم و پارکینگ نشان از وقوع قتل در خانه داشت. از آنجا که در تحقیقات مشخص شد هنگام وقوع قتل، مقتول و همسرش در ساختمان محل زندگی شان تنها بودند، عروس او که ساکن طبقه بالای خانه مادرشوهرش بود، به عنوان مظنون پرونده دستگیر شد و به قتل مادرشوهرش اعتراف کرد. زن جوان که شش ماه قبل عروس خانواده شده بود در اولین اعترافات خود به ماموران گفت: «مادر همسرم با ازدواج ما مخالف بود و برای همین بعد از ازدواج هم ارتباط خوبی نداشتیم و چندین بار بین ما مشاجره در گرفت. برای همین من از همسرم خواسته بودم خانه مان را از طبقه بالای خانه مادرشوهرم به جای دیگری منتقل کنیم.»

متهم در مورد روز حادثه گفت: «آن روز مادر همسرم به خانه من آمد و از این‌که فهمیده بود می خواهیم نقل مکان کنیم با من بحثش شد. یکدفعه بحثمان بالا گرفت و نمی‌دانم چرا از کوره در رفتم و با یک میله آهنی به او حمله کردم. با چندین ضربه به سر او کوبیدم تا این‌که جان خود را از دست داد.»

متهم بعد از وقوع قتل به کمک یک وکیل که همسر سابق او بود، جسد را به دشت مزار دماوند منتقل کرده بود. با اطلاعاتی که متهم در اختیار ماموران قرار داد آن وکیل هم دستگیر شد. روز محاکمه، اولیای دم تقاضای قصاص قاتل مادرشان را کردند. التماس مادر و خواهران متهم هم در جلب رضایت آنها اثری نداشت.

اما سرانجام روز اول مهر هنگامی که رای دادگاه بعد از تایید از سوی دیوان عالی کشور به مرحله اجرا در آمده بود، اولیای دم پای چوبه دار از قصاص گذشت کردند و بدون دریافت دیه قاتل مادرشان را بخشیدند.

تلنگر

مبینا در دام سیاه ناپدری

مرد جوان که متهم به آزار و اذیت دختر خوانده ۱۰ ساله اش است در جلسه دادگاه منکر این اتهام شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، یك ماه قبل به دنبال شکایت زن جوان مبنی بر آزار و اذیت دختر بچه ده ساله‌اش توسط شوهرش، متهم بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت.

در همان حال دختر ده ساله که ادعا می‌شد مورد آزار و اذیت قرار گرفته است، مورد معاینه پزشکی قانونی قرار گرفت و گزارش نهایی صحت ادعای مطرح شده را تایید می‌کرد.

زن جوان در طرح شکایت خود به پلیس بیان کرد: «چند سال قبل از پدر مبینا طلاق گرفتم و حدود یك سال و نیم قبل با مرتضی ازدواج کردم. همسرم یك دختر چهار ساله و یك پسر ۱۵ ساله داشت و من گمان می‌کردم حالا که او از ازدواج اولش فرزند دارد، شرایط من را درك می‌کند و همان‌طور که من مراقب فرزندان او هستم، او هم برای دخترم پدری می‌کند، اما از چند وقت قبل می‌دیدم که شرایط روحی مبینا به‌شدت نامساعد است. وخامت حال روحی او به حدی بود که به شب ادراری مبتلا شده بود. بعد از پیگیری من و صحبت‌های زیادی که با او کردم، متوجه شدم همسرم او را مورد آزار و اذیت قرار داده است.»

متهم بعد از دستگیری به بزه انتسابی اقرار کرد و گفت چند بار زمانی که همسرش به خرید می‌رفته و در خانه با مبینا تنها می‌شده، او را مورد آزار قرار داده است. پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری یك ارسال شد و صبح دیروز رسیدگی به پرونده با حضور شاکی و متهم در شعبه یازدهم دادگاه کیفری یك استان تهران انجام شد.

«دخترم دیگر آن دختر شاداب سابق نیست. به افسردگی مبتلا شده و گوشه گیر و منزوی شده است.» این اولین جمله‌ای بود که مادر مبینا خطاب به قاضی بیان کرد. زن جوان در حالی که اشك می‌ریخت، بار دیگر اعلام کرد به عنوان ولی قهری دخترش از همسر خود شکایت دارد.

متهم بعد از شنیدن شکایت شاکی در جایگاه دفاع قرار گرفت و گفت: «من این اتهام را قبول ندارم. همسرم به من تهمت زد. اظهارات قبلی من هم تحت فشار بوده و هرگز مبینا را مورد آزار و اذیت قرار ندادم.

پس از دفاعیات متهم، قاضی ختم جلسه رسیدگی را اعلام کرده و رای دادگاه بعد از مشورت قضات اعلام خواهد شد.

قتل به خاطر ۴۳ هزار تومان

مرد افغان که به خاطر ۴۳ هزار تومان مرتکب قتل شده بود، با گذشت اولیای دم از قصاص نجات پیدا کرد. مرد زندانی که توان پرداخت دیه را ندارد، از دادگاه درخواست قسطی کردن مبلغ دیه را مطرح کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، تابستان سال ۹۳، به‌دنبال وقوع یك درگیری در سه‌راه آذری تهران، ماموران نیروی انتظامی در جریان قتل یك مرد میانسال قرار گرفتند.

بعد از حضور نیروهای پلیس در محل حادثه، پسر مقتول در توضیح ماجرا گفت: «چند وقت قبل پدرم از یکی از اقوامان ۴۳ هزار تومان پول گرفته بود تا کاری را برای او انجام دهد. آن مرد که نقیب نام دارد چند وقت بعد سراغ پدرم آمد و از او خواست پولش را پس بدهد. اما پدرم گفت، باید مدتی صبر کند تا بتواند پول را تهیه کند و به او برگرداند. امروز دوباره نقیب به خانه آمد و با پدرم دعوایش شد. یکدفعه یك چاقو از جیبش درآورد و به سینه پدرم زد و فرار کرد.» با اطلاعاتی که خانواده مقتول از جوان فراری در اختیار پلیس قرار دادند، متهم در منزل خود دستگیر شد و در اولین اعترافات به پلیس گفت: «چند ماه قبل به ایران آمدیم. خانواده عمه‌ام هم همراه ما آمده بود و شوهرعمه‌ام به ما گفت، اگر نفری ۴۳ هزار تومان به او بدهیم، کار اقامت ما را در ایران درست می‌کند. من پول را به او دادم اما هر بار سوال می‌کردم، جواب سربالا می‌داد و احساس می‌کردم من را فریب داده است. از او خواستم پولم را برگرداند اما گوشش بدهکار نبود. بالاخره آن روز وقتی باز با او بحث کردم شد از کوره در رفتم و او را با چاقو زدم.»

بعد از اعترافات صریح متهم، به درخواست اولیای‌دم یعنی فرزندان مقتول، متهم به پرداخت دیه محکوم شد. اما متهم که توانایی پرداخت دیه را ندارد، با اعلام اعسار از دیه درخواست رسیدگی از سوی دادگاه کرد.

به همین دلیل شعبه چهارم دادگاه کیفری، در رسیدگی به دادخواست متهم تقاضای او را مبنی بر تقسیط دیه به ثبت رساند. رای دادگاه درخصوص دادخواست متهم به‌زودی صادر می‌شود.